

تلاش برای حفظ جایگاه هویت معماری همراه با توسعه شهرنشینی در معماری معاصر با تأکید بر آسمان‌خراش هامونگ چین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

کد مقاله: ع.۰۶۴

مجید خیرخواه^{۱*}

چکیده

این مقاله سعی دارد که با استفاده از یک مدل، ارتباط وجوده هویتی معماری را با وجوده انسانی بررسی نماید در این پژوهش ابتدا تعریف فراگیری از مفهوم هویت و هویت معماری ارائه شده است، سپس ابعاد مختلف تعاریف هویت معماری در چارچوب این تعریف تبیین می‌گردد تا براساس این تعریف معین، بتوان عوامل هویت‌بخش معماری را شناسایی و دسته‌بندی کرد. نوشته حاضر در سه بخش اصلی ارائه شده است از طرفی مفهوم هویت در معماری مستقیماً به مسئله مورد مطالعه و اهداف آن، اساس کار و میزان موقوفیت این مطالعه با استناد به نتایج کار به طور مختصر اشاره می‌شود. در این مقاله به بررسی جایگاه انسان و بهره‌برداری از هویت و حفظ سنت در معماری به بررسی پرداخته و رابطه انسان و محیط و تأثیر هویت بر زندگی افراد نیز پرداخته می‌شود. در ابتدا پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و مبانی نظری بیان شده است یافته‌ها و تحلیل یافته‌ها و سپس بحث و نتیجه‌گیری مطرح شده است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و تحقیق کاربردی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای استنادی است و برای پاسخ به سوالات تحقیق استفاده شده است. در انتهای نتیجه‌گیری آنچه پژوهش حاضر در فرجام کار بر آن تأکید دارد، توجه به حضور چندجانبه به تلاش برای حفظ هویت و سنت در معماری معاصر با توسعه شهرنشینی است. مجموعه آسمان‌خراش هامونگ چین برنده مسابقه معماری ۲۰۲۱ شده است که نمونه‌ای بسیار موفق در نوع خود و منبع الهام برای معماران می‌باشد را به در این زمینه معرفی می‌کنیم که با حفظ هویت و اصالت زندگی جدید را اغاز نموده‌اند.

واژگان کلیدی: هویت، توسعه شهرنشینی، معماری معاصر، هامونگ چین

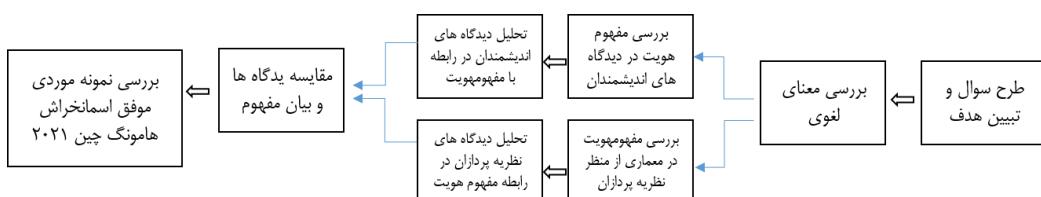
۱- کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرورد Majid Kheirikhah88@gmail.com

۱- مقدمه

مفهوم هویت در آثار معماری نیز ارتباط عمیق با تعریف مفهوم هویت در انسان داشته به گونه‌ای که یک اثر به عنوان نمادی از شخصیت فرد به شمار می‌آید معماری به رغم تفاوت‌های سرزمینی که در آن شعر در شکل آن تاثیر فراوانی داشته و دارای ویژگی‌های ذاتی پویا و تدریجی است که آن را هویت می‌نامند. برای دستیابی به آنچه گفته شد، با استناد به روش تحقیق مبتنی بر زمینه، رویکردهای روش تحقیق در پژوهش پیش رو، بر اساس روش کمی و استدلال منطقی استوار است، همچنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای همراه با روش کیفی، اساس بیان، توصیفی، تحلیل و تفسیر نتایج به دست آمده در این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۱-۱- سوالات تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی است و تحقیق کاربردی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای اسنادی است و برای پاسخ به سوالات تحقیق که چگونه می‌توان تلاش برای حفظ جایگاه هویت معماري در معاصر تلاش کرد؟ ایا با توسعه شهر نشینی می‌توان هویت افراد جامعه را حفظ کرد؟ همچون الگوی شایسته از ارتباط هویت، بازکاوی شده است. آنچه پژوهش حاضر در فرجام کار بر آن تاکید دارد، توجه به حضور چندجانبه هویت در تمامی وجود و تلاش برای حفظ هویت با توسعه شهر نشینی در قالب دو رویکرد کلان؛ هم آوای و کمال بخشی معماري به آن ها است.



شکل ۱- ساختار تحقیق (مأخذ: نگارنده ۱۴۰۰)

۱-۲- روش تحقیق

این تحقیق از دسته روش‌های کمی است. در این رویکرد، جهت (Case) به سمت مورد مشاهده (Theory) حرکت از نظریه توسط استدلال قیاسی است. لذا در ابتدا به صورت توصیفی تحلیلی به استخراج الگوی هویت اجتماعی به عنوان نظریه پایه ای تحقیق خواهیم پرداخت و در ادامه، این الگو در مورد تحولات هویت آزموده خواهد شد. ابزار اصلی تحقیق نیز استفاده از اسناد کتابخانه‌ای است.

۲- معانی و مفاهیم واژه هویت

در فرهنگ فارسی معانی متفاوتی برای واژه هویت ذکر گردیده است. در لغت نامه دهخدا هویت «عبارت است از تشخض و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است، هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌گردد، هویه گاه بر ماهیت با تشخض اطلاق می‌گردد که عبارتست از حقیقت جزئیه، (اصطلاح صوفیه) هویه مرتبه ذات بحث را گویند و مرتبه احادیث و لاهوت ... هویت از لفظ هو گرفته شده که اشاره به غایب است و آن درباره خدای تعالی اشاره است به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات او ...» (دهخدا، ۱۳۴۲، ۳۴۹). در فرهنگ واژه هویت در ۴ مفهوم به کار رفته است: (۱) ذات باری تعالی، (۲) هستی، وجود هویت عبارت (۳) آنچه موجب شناسایی شخص باشد، (۴) هویت عبارت است از حقیقت جزئیه است ...». (تقوائی، ۱۳۹۱)

۳- واژه شناسی هویت

در ادبیات عرفانی ایران، هویت به ذات مطلق خداوند اطلاق می‌شود. لذا معنی وجود و هستی را برمی‌آورد. ملاصدرا که همه موجودات را ممکن الوجود و نسبی می‌داند، هویت را «هویت ساریه» و به معنای فیض رسان به دایره‌ی ممکنات دانسته است (سجادی، ۱۳۷۵). داود قیصری در مقدمه فصوص الحكم، هویت را چنین تعریف می‌کند: «آنچه را شیئت شیع به آن است به اعتبار تحقق، حقیقت گویند؛ به اعتبار تشخض، هویت گویند. (تقوائی، ۱۳۹۱) در این معنا، ذات مقدس خداوند بدنبال تجلی و هویت بخشی بر دایره ممکنات و خارج شدن آنها از کتم عدم منشاء هستی و هویت بخشی به موجودات و انسان بوده و هر موجودی به مقتضای ذات و استعداد و قابلیت خوبیش پذیرای ظهور حق می‌گردد. فرهنگ عمید در مدخل هویت از «مشتمل بر

شماره ۲ (پیاپی ۱۵)، تیرستان ۱۴۰۰، ۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

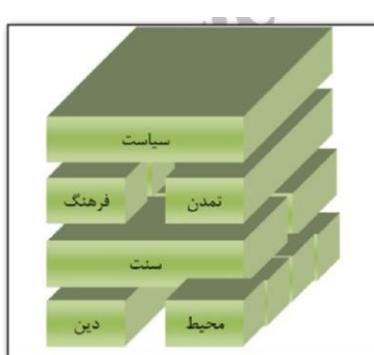
صفات جوهری یاد می کند و فرهنگ معین «آنچه را که موجب شناسایی شخص یا شئی باشد» را به عنوان تعریف هویت ذکر می کند.» واژه نامه آکسفورد هویت را کیستی و چیستی شخص میداند.(Oxford, 2008).

۴- مؤلفه های تعیین کننده هویت

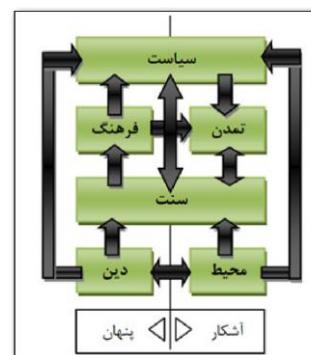
جمع بندی دیدگاه های اندیشمندان در رابطه با هویت حاکی از آنست که برخلاف نگرش سنتی به هویت به عنوان مفهومی ذاتی و ثابت، امروزه از هویت به مفهومی ساخته شده تعبیر می گردد که تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. بر این مبنای توأم مهم ترین این عوامل را شامل فرهنگ، مکان و زمان معرفی کرد. همچنین از دو عامل ارتباط و ادراک به عنوان دو عامل مؤثر در تحول و تشخیص هویت نام برد می شود. (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۵،

۵- الگوی ساختاری هویت

کلیه عناصر سازنده هویت اجتماعی در جامعه ای ابراساس تصویر با یکدیگر که در حال تعادل باشد در الگوی مشابه شکل تعامل قرار می گیرند. دین و محیط که عناصر پایه ای هویت اجتماعی محسوب می شوند در این الگو لایه زیرین قرار گرفته اند. جوامع مبتنی بر ادیان از این عنصر به عنوان همه عناصر دیگر استفاده می کنند و جوامع غیر دینی عناصری همچون جامعه، تاریخ یا قومیت و تزاد را مبنای قرار می دهند. لایه بعدی به سنت جاری جامعه اختصاص دارد که هم دارای جوان آشکار و هم پنهان است. رفتارها، ارزش ها، هنجارهای رسم و آداب، شکل زندگی مردم و ... مثل همگی سنت آن جامعه محسوب می شوند. ابعاد پنهان سنت در طول زمان، فرهنگ آن جامعه را تشکیل ارزش ها و عقاید می دهد. تمدن نیز به عنوان تبلور کالبدی فرهنگ و متناسب با سنت آن شکل می گیرد(رجیم زاده ۱۳۷۹). تمدن عنصری است که باید از سیاست، فرهنگ و سنت جامعه تأثیر پذیرد. در بالاترین لایه نیز سیاست به عنوان نظام و رهبر جامعه قرار دارد که ممکن است اصول اساسی آن یا توسط دین از دل اجتماع یا نگاه مادی به طبیعت تعیین شود. همچنین در حرکتی رو به پایین با ساخت تمدن شرایط زندگی افراد جامعه تأمین می شود. این الگو می تواند هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی را به تصویر بکشد. نمونه ای از الگوی توسعه یافته هویت همچنین در تصویر ۲ دیده می شود. این مدل مثال جامعه ای است تحت یک دولت واحد با محیط هایی (جغرافیایی یا اجتماعی) گوناگون، که سنت ها و فرهنگ آنها نیز ممکن است در مناطقی به یکدیگر شبیه و یا با مناطق دیگر متفاوت باشد. به عنوان مثال این الگو می تواند گویایی کل کشور باشد که تحت یک حاکمیت سیاسی واحد با محیط های انسانی، طبیعی و سنت های متفاوت گرد هم جمع شده اند. در حالی که آنچه تا کنون از هویت ارایه شده است نمودی از هویت ملی و سیاسی واحد، بدون تفاوت های فرهنگی، قومی و منطقه ای بوده که برخی نارضایتی ها و نافرمائی های قومی در بسیاری مناطق وجود دارد. منبع (Islami, 1998, 197)



شکل ۳. توسعه یافته هویت مأخذ (منبع، رستم پور و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۳۸۷)



شکل ۲. الگوی ساختاری هویت (منبع، رستم پور و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۳۸۷)

۶- تحول در هویت

در طول زمان و با تغییر در هر یک از عناصر هویت ساز می توان تحول هویت را مشاهده کرد. البته با توجه به نقش آن عنصر، تحول نیز می تواند اساسی یا سطحی باشد و "این فرآیند می تواند در جهت پویایی و ارتقا باشد یا در راستای تنزل مرتبه و کاستی همچنین تحول می تواند نتیجه یک سیر نماید. (نقره کار، ۱۳۸۷)

هویت معماری از آنجا که تجربه همه جانبه انسانی محسوب می‌گردد، پس "است و "طرفی برای مظروفش یک رابطه بلاواسطه بین انسان و محیطش وجود دارد که می‌باشد(حجت، ۱۳۸۷)" رابطه‌ای از نوع "مدرک و مدرک، به همین دلیل انسان با صفات و ویژگی‌هایی که داراست نقش مهمی در هویت معماری دارد. برای اینکه بتوان هویت معماری را تعریف کرد باید ابتدا مفهوم هویت، بماهو هویت تبیین گردد تا بتوان هویت معماری را تعریف نمود. هویت یک مفهوم است که از کیستی یک چیز پرسش می‌کند و با "شخصیت" تفاوت ماهوی دارد. زیرا "شخصیت" از چیستی عناصر سوال می‌کند و بدنبال صفات ذاتی و جوهری آن عناصر که متعلق به آن است و متمایز از ادراک مخاطب می‌باشد. برخی این تفاوت را در نظر نمی‌گیرند و هویت را عیناً به همین همان شخصیت یا ماهیت فرض می‌کنند ترتیب برخی تفاوتی بین "هویت" و معنا قائل نمی‌شوند. اگر معنا را با موضوع (لنگ ۱۳۹۱، ۸۵) شولتز، تصویرهای ذهنی متفاوتی که مکان‌های متفاوت در افراد، ایجاد می‌کنند، مرتبط بدانیم (فلاحت و نوحی، ۱۳۹۱) هویت به موضوع تفاوت تصویرهای ذهنی ناشی از مکان واحد در افراد مختلف با تجربیات و سوابق و ویژگی‌های مختلف می‌پردازد. به عبارتی معنا ویژگی مکان است در حالی که هویت به امری دو طرفه اطلاق می‌شود؛ یعنی تصویری در ذهن انسان است و شاخصه ای در پدیده وجود دارد که وحدت این دو عامل، منجر به به عبارتی احراز هویت می‌گردد (حجت، ۱۳۸۷) وحدت تصور ذهنی توقع یا انتظار ذهنی (یا عینت را هویت می‌توان دانست. با جستجو در مبنای مختلف برای تعریف هویت معماری با مفاهیم مختلفی از هویت معماری مواجه می‌شویم که ممکن است با تعریفی که در بالا ارائه شد متضاد به نظر بیاید، اما این مفاهیم متفاوت را نیز می‌توان در چارچوب تعریف فوکالذکر قرار داد. همانگونه که اشاره شد، هویت معماری یک رابطه دوطرفه بین انسان و محیط است، اما بر حسب اینکه بواسطه معماری محیط ساخته شده، چه چیزی به چه کسی معرفی شود می‌توان "محیط ساخته شده" و "جامعه" را در، "سه عامل" انسان برقراری نسبت مفاهیم مختلف هویت معماری با تعریف داده شده شناسایی کرد که این می‌تواند اشکال گوناگونی به خود بگیرد: هویت به این معنا که انسان بواسطه محیط ساخته شده بخواهد خود را به جامعه بشناساند این موضوع چیزی است که ممکن است با اصطلاح فضای بیان گردد یعنی فرد با نماد و شخصی‌سازی نشانه‌هایی در ساختمان، خود، فرهنگ خود، موقعیت روش‌های ممکن برای مطالعه هویت محیط اج کالبدی با استفاده از مدل گدس (دامیار، ۱۳۹۳).

جدول ۱: روش‌های ممکن برای مطالعه هویت محیط کالبدی با استفاده از مدل گدس منبع نقل شده در

(Islami, 1998, 197)

معماری	هویت
بررسی وجود هویت و تبیین جایگاه معماری و بین آنها	بررسی وجود مختلف هویت بدون بررسی تفصیلی معماری
بررسی ویژگی‌های معماری بومی بدون توجه به موضوع هویت	بررسی ویژگی‌های معماری بومی و تبیین موضوع هویت در بین آنها

پرسش از هویت در کشور ما به مدت چهار دهه ذهن مردم، مدیران، هنرمندان و معماران را درگیر کرده است. این پرسش در بین مردمان کشورهایی مطرح می‌شود که دارای معمولاً پیشینه فرهنگی و تمدنی برجسته در گذشته بوده اند، ولی امروز احساس می‌کنند از کاروان تمدن جهانی عقب مانده و بیشتر مقدمه مصرف کننده محصولات دیگر تمدن ها شده اند. پرسش از هویت به دلایل متعددی که نبود چارچوب های فکری مناسب، نداشتن تضمین های اجرایی و وجود دستگاه ها و عوامل ذی نفع و ذی نفوذ متعدد از آن جمله اند، هیچ گاه به کارکردهای عملی و راهکارهای عینی دست نیافرته است. از طرفی بلا تکلیفی در حوزه ای اندیشه، در ارتباط با مسئله هویت منجر به سدرگمی در هویت معماری نیز شده است. این مقاله بدنبال ایجاد چارچوب فکری مناسبی برای این بحث در زمینه معماری می‌باشد. امروزه تعابیر مختلفی در مورد هویت معماری، وابسته به دیدگاه های متفاوت انسان مولف و بهره بردار از آن وجود دارد. از آنجایی که انسان، زمان و مکان یک هستی را رقم می‌زنند، لذا هویتشان در هم آمیخته می‌گردد. این (پرتوی، ۱۳۸۲). نوشتار بدنبال پاسخ هایی برای این پرسش ها، که مفهوم سبک و هویت معماری از گذشته تا امروز چیست؟ امروزه چرا و چگونه مفهوم هویت تغییر یافته است؟ و مولفه های تاثیرگذار در بحث هویت در معماری چه و چگونه می‌باشد؟ بوده است. سامانه‌ی جستجوی مقاله کیفی و ضمن تفسیر و تحلیل معنایی داده ها، بدنبال عوامل چندگانه موثر بر پدیده هویت نیز بوده و راهبرد آن تفسیر گرا می‌باشد.(گروت، دیوید، ۱۳۸۸)

۷- مولفه‌های موثر در هویت

چنانکه از واژه شناسی هویت برآمد، انسان مولف و شناسنده‌ی معماری و مولفه‌های تمیز دهنده‌ی بنا، در تبیین هویت معماری موثر می‌باشند. بنابر نظر اندیشمندان، زمان و مکان ظرف حاوی و فعالیت‌های انسانی (schuon, 1981) محتوای عالم پدیدار می‌باشند- از جمله معماری او- در طول زمان و در مکان معنا می‌باشد. (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱).

۸- هویت، انسان و باورهایش

یکی از مسائل مهم که بر تبیین هویت تاثیر مهمی دارد، انسان، باورهایش و میزان شناخت و آگاهی او، هم در مقام طراح و مولف و هم در جایگاه بهره بردار و شناسنده معماری است. در واژه شناسی هویت و سبک به تحول پیش آمده در خصوص معمار و سازنده‌ی بنا و جایگاه جدید او هم در جهان و هم در ابداع معماری، مطالبی بیان شد. مشخص گردید انسان، که در گذشته باورش بر این بود که، او چون «نی» است و «نی زننده»، و براین اساس صاحب هستی، هویت و ابداع در آن می‌نوازد هنرمندانه و معمارانه اش، ذات مقدس باری تعالی دانسته می‌شد، امروز بر اریکه‌ی عالم نشسته و خواسته‌های متغیر او دایر مدار هستی و هویت بخش آنها شده است. بخش دیگر تاثیر انسان در مقوله‌ی هویت، به او به عنوان شناسنده‌ی بنا مربوط می‌شود. در این مورد بحث هویت از جایی شروع می‌شود که قرار باشد چیزی برای کسی مورد شناسایی قرار گیرد. ویژگی‌های موجود در یک پدیده یا یک بنای معماری، برای همه افراد به یک اندازه قابل شناخت و دریافت نمی‌باشند. میزان شناخت و اشراف بینندگان و بهره وران از آن پدیده، در یک اروپایی ممکن درک و دریافت ویژگی‌های آن موثر است. مثلاً است بتواند فرق بین قالی و گلیم را تشخیص دهد، در صورتی که یک ایرانی علاوه بر دریافت تفاوت فرش با گلیم، تفاوت انواع فرش‌ها و در شرایط تخصصی تر حتی تفاوت در نوع نقشه‌ی آنها را نیز می‌تواند تشخیص دهد. (تقوایی، ۱۳۹۱)

۹- هویت و مکان

ما همواره هویت خود را با ذکر مکان خاستگاه مان بیان می‌کنیم. جمله‌هایی چون «من اهل تهران هستم»، «من اهل پاریس هستم»، فارغ از ناسیونالیسم‌های کور، در مورد هر زادگاه و به آن معنا نیست که در شهر خاستگاهی صدق می‌کند و صرفاً تهران یا پاریس، خانه یا دفتری داریم؛ بلکه بیشتر بدان معنا است که ما خود را به هستی شهر تهران یا پاریس داخل و منضم می‌کنیم. پیداست که تعلق داشتن و بستگی یافتن، که به نظر می‌رسد در معنای هویت پنهان است چیزی فراتر از حس آسودگی و خوش زیستی یا رفاه در یک مکان را می‌نمایاند. پس، صرف نظر از موقعیت تاریخی، اجتماعی، تکنولوژیکی و جغرافیایی؛ انسان‌ها همیشه به مکان نیاز خواهند داشت، زیرا برخورداری از مکان و شناسایی آن، بخشی از وجود و هویت در دوران جدید، بشر را شامل می‌شود (Buttmer, 1980). معنای مکان آنگاه آشکار شد که، مکان چون گستره‌ای از فضا که دارای بار ارزشی است، به غیر مکان یابی مکانی تغییر چهره داد (پرتوی، ۱۳۸۲).

در گذری کوتاه به این مقوله در طول تاریخ در می‌یابیم که، در گذشته حکمای ایرانی و فلاسفه‌ی باستان، مفهوم مکان و فضا را یکی قلمداد کرده و برای تعریف هر یک، از ویژگی‌های از بین نظریه پردازان دیگری استفاده می‌کردند (حبیبی، ۱۳۸۷)، از بین نظریه پردازان قرن بیستمی، کوین لینچ و لین بار بایان واژه تصویر ذهنی در سال ۱۹۷۹، هویت محیط را سبب داشتن تصویر ذهنی روشن از آن دانست (لینچ، ۱۳۵۰). از اوایل دهه ۱۹۷۰، پدیدار شناسی چون ای.فو.تون (Tuan, 1977) ادوارد رلف Relph (1976)، و باتیمر (Buttmer, 1980) و متوجه ابعاد زیستی انسان و رابطه او با محیط شدند. تحقیقاتی که در نیمه دوم قرن بیستم توسط نظریه پردازان پدیدار شناسانه نوربرگ شولتس و به تأسی از هایدگر و هوسرل تقویت شد. نوربرگ شولتس از دست رفتن مکان در دوران جدید را با هویت زدایی برابر می‌دانست. از نظر وی مکان تجلی آشکار زیست جهان است. وی فهم معماری چونان «هنر مکان» را بدان معنا می‌دانست که، آثار منفرد دست در دست یکدیگر داده تا کلیتی را تشکیل دهنده، که به تک تک آنها معنا ببخشد. در نظر وی «عرف معماری» ریشه‌ای برای سبک آن می‌باشد (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱).

۱۰- هویت و زمان

زمان به عنوان یکی از ابعاد وجودی جهان، دایره ممکنات، انسان و معماری او، همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. زمان در نظریه‌های هستی شناسانه عرفانی- ایرانی مترتب و لا یه لا یه بوده و در والاترین مرتبه به زمان در مرتبه سرمدی و نفی اطلاق فراردادی، اندازه گذاری شده، همگن، یک سویه و تهی از معنا می‌رسد (تقوایی، ۱۳۸۸) در ارتباط و نسبت آن با حرکت، نظریات فلاسفه اسلامی چون ابن سینا در باب زمان، تفاوت عمده‌ای با نظر ارسطو نداشت. و ملاصدرا بیز زمان را مقدار حرکت در جوهر می‌دانست آن را به عنوان بعد چهارم در کنار ابعاد سه گانه جوهر جسمانی ملاصدرا در تبیین (طول، عرض، ارتفاع) عرضه می‌

داشت. معرفی می‌حرکت جوهری خود زمان را «مقدار تجدد و تبدل» نمود. این نگاه به زمان با حرکت دوری افلاک که تلقی پیشینیان از آن بود، متفاوت می‌باشد. نیز زمان را تشکیل دهنده هر چیزی دانسته و رین^۱ که های مختلف آن مطرح نموده وابستگی آن را با حقیقت و لایه قراردادی و در نگاه وی، زمان صرفاً (Corbin, 1986) است مرتبط با طبیعت نمی‌باشد، بلکه انسفسی و معطوف به پدیده‌هایی است که فرد در طول و عرض آنها و در پیوستگی با آنها زندگی می‌کند. به نظر نصر نیز نسبت اکنون به سرمدیت مثل نسبت. بودن در آن نقطه‌ی اصلی به نقطه‌ی مکان است (نصر ۱۳۷۹)، معنی به سر بردن در آن ذات سرمدی است که همیشه حضور دارد و از مرتبه‌ی شدن و گذرا کردن افقی گذشته است. از آنجایی که فعالیت‌های انسانی در طول زمان و در مکان معنا می‌یابند، این فعالیت‌ها در طول زمان خاطراتی را در ذهن انسان ایجاد می‌کند، که ممکن است فردی یا جمعی باشد. با رجوع چندین باره به آنها، خاطره‌های جمعی که از عوامل هویت بخش انسان می‌باشند، نقش می‌بندد. برای اولین بار، مفهوم «حافظه جمعی» توسط جامعه شناس فرانسوی امیلیا تایم مطرح گردید. در نظر او، زندگی جمعی در طول تاریخ امتداد دارد و منقطع نیست و این احساس که در فرد فرد جامعه یا اکثریت آنها وجود دارد، حافظه جمعی نامیده می‌شود. این پدیده غیرارادی در طول زمان و زندگی فرد و جامعه نهادینه می‌شود. هویت اجتماعی و حافظه جمعی در جایی حفظ می‌شود که وقتی فرد در آنجاست حس می‌کند، مکانی که در آن مستقر است با سایر هر چقدر زمان گذشته نقاط متفاوت است (خسرو خاور ۱۳۸۳)، دارای بستر بیشتری برای فعالیت‌های مختلف و خاص بوده باشد، بر ضخامت حافظه جمعی آن جامعه افزوده می‌شود. به نظر حبیبی، خاطره ابزار تفحص گذشته نیست بلکه صحنه‌ای پس خاطره و برای به حال آمدن گذشته است. حافظه تاریخی که در طول زمان شکل گرفته، از عناصر اصلی هویت بخشی می‌باشد. (حبیبی ۱۳۸۳)

۱۱- مدل رابطه وجود انسانی و عوامل هویت‌بخش

این مدل که به گونه‌ای برآمده از عوامل تشکیل دهنده مفهوم هویت معماری است، دارای سه محور است که یک مدل سه بعدی را ایجاد کرده است. در این مدل ابعاد وجود انسان به عنوان یک طرف تعریف هویت به عنوان عناصر محور عمودی و محیط تجربه عینیتی که طرف دیگر تعریف هویت محسوب می‌شود، به عنوان اجزای محور افقی قرار داده شده‌اند و به واسطه اتکای که آن را از «زمان» و کیفیات آن به «تجربه» بنیادین اجزای مهم و غیرقابل اجتناب در تعریف هویت قرار می‌دهد محور سوم این مدل به زمان تجربه اختصاص یافته است. انتظار است مدلی که این گونه از بحث نظری و منطقی حاصل شده است بتواند ابزاری باشد برای تبیین سامان یافته عوامل هویت‌بخش در هر گونه‌ای از معماری چرا که بحث مزبور ممکن است به گونه‌خاصی از معماری نبوده است؛ قابلیت‌های این مدل در جدول زیر به کمک یک نمونه معماری بومی معرفی شده است؛ از آنجا که معماری بومی دارای ویژگی‌هایی است که با تمام وجود انسانی در ارتباط است و از نظر محیطی نیز با محیط طبیعی و طبیعت در ارتباطی از نوع سازگاری و هماهنگی است (Oliver, 1997). علاوه بر آن، با نک توجه به این که معماری بومی به عنوان عامل ذهنیت دهنده‌ای که از نظر زمانی و مکانی در طول ادوار مختلف تاریخی همراه با انسان بوده و هست، می‌توان این نوع معماری را برای آزمایش مدل به دست آمده انتخاب کرد. در واقع در قیاس با مثلاً معماری دوران صنعتی، معماری بومی بخش‌های وسیع‌تری از مدل ارائه شده را پوشش می‌دهد و برای آزمون مناسب‌تر است. ویژگی اساسی بودن انسان در جهان و ادراک این بودن، "سکونت"، تلقی شده که امکاناتی غنی را در تعیین هویت به ما ارزانی کند و یا در جایی دیگر شولت اشاره می‌دهد صورتی به "محیط اجتماعی با معنا" مدل می‌شود که امکاناتی غنی را در تعیین هویت به ما ارزانی کند و یا در جایی دیگر شولت اشاره می‌کند که تقدیر آدمی‌صمیمانه با مکان پیوند دارد (شولتز، ۱۳۸۲: ۵۳) هویت به این معنا که انسان محیط ساخته شده را بشناسد آنگونه که آن محیط با ذهنیت او همخوانی به طور مثال معماری، آن گونه معماری داشته باشد که بتواند به خواستها و نیازهای انسان پاسخ دهد. (دامیار، ۱۳۹۳)

۱۲- تحلیل یافته‌ها (بررسی نمونه موردی اسمان‌خراس همونگ چین)

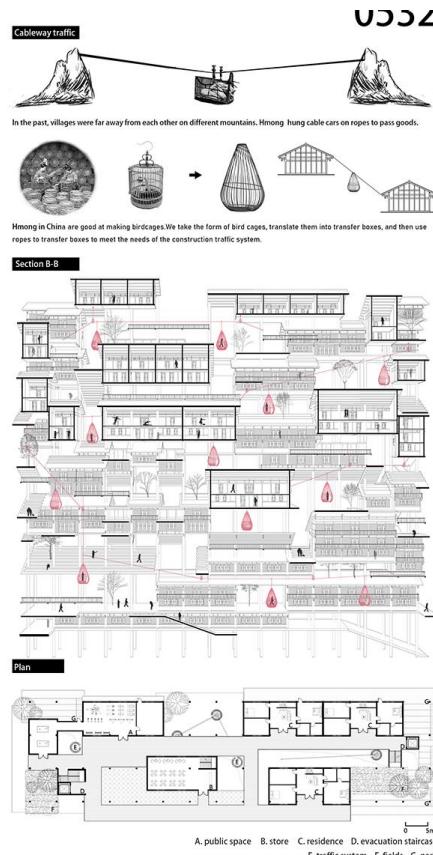
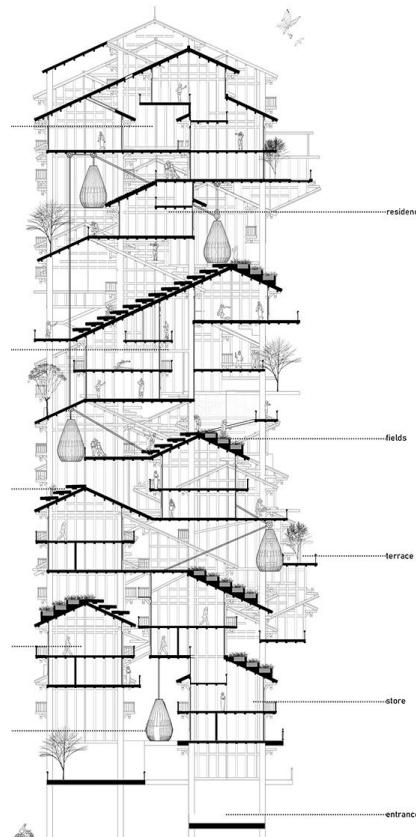
آسمان‌خراس هامونگ مجموعه‌ای از خانه‌های سنتی است که توسط فضای عمودی عمومی متحدد شده است. این پروژه با هدفی خاص طراحی شده است به گونه‌ای که تمام اصول معماری سنتی و هویت افراد حفظ شده و با تلاش برای ساکن شدن در فضاهایی با معماری مدرن و تکنولوژی‌های روز دنیا و توسعه شهرنشیینی این افراد هم از این امکانات استفاده کنند و هم هویت و اصالت خود را حفظ کنند و در اسایش و ارامش زندگی کنند. (www.archdaily.ir) مقام سوم مسابقه آسمان‌خراس سوم می ۲۰۲۱ تعلق گرفت. گروه طراح شیانگشو کنگ، شیائوپیونگ ژانگ، مینگسونگ سان. کشور ایله دهنده: چین. همونگ در چین ملیتی باستانی است و عمدتاً در استان یوننان زندگی می‌کند. همونگ زبان، معماری و سبک زندگی خاص خود را دارد. با این حال، این گروه از فرهنگ‌های خاص اقلیت به تدریج توسط فرهنگ مدن ملعیده می‌شود. بسیاری از آداب و رسوم فرهنگی همونگ از بین رفته و حتی بسیاری از خانه‌های مردم همونگ تخریب شده و یا خواهد شد.



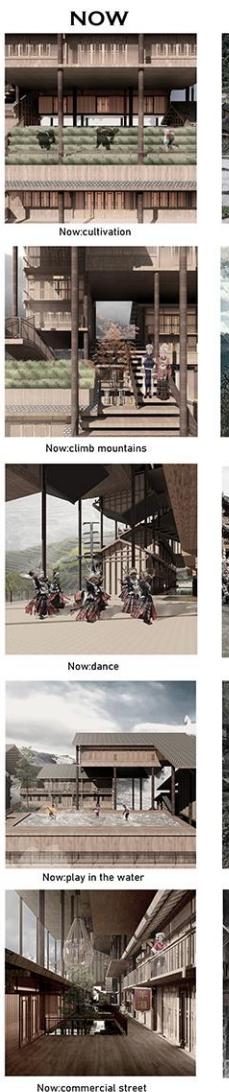
شکل ۴- استفاده از نمادهای سنتی در طرح
(مأخذ: www.evolo.ir)

به منظور ایجاد یک جامعه مرفه از یک روش همه جانبه، دولت چین سیاست های جابجایی را به روستاهای صادر کرده است تا به همومنگ کمک کند تا از محل فرسوده محل زندگی خود دور بماند و به حومه شهرها نقل مکان کند تا یک مدرن و مدرن ارائه دهد. زندگی مرفه. اگرچه قصد اصلی دولت خوب است، اما تعداد بیشتری از اقلیت‌های قومی قادر به سازگاری با محل زندگی جدید نیستند. آنها زمین های زراعی، حیاط ها، جویبارها و ... خود را از دست می دهند. ما سعی می کنیم تا آسمان خراش طراحی کنیم. ما تمام تلاش خود را می کنیم تا حافظه و سبک زندگی کشاورزان از زادگاه اصلی آنها حفظ شود و در عین حال به آنها اجازه دهیم از راحتی شهرنشینی مدرن لذت ببرند. و هویت اصلی آنها را با توسعه شهر نشینی حفظ کنیم. ما ساختار ساختمان طرح سبک محلی را استخراج می کنیم، اسکلت چوبی را استخراج می کنیم، و سپس با استفاده از جرقه‌قیل خانه اصلی چوبی را حرکت می دهیم، این دو را با هم ترکیب می‌کنیم و شکل اصلی آسمان خراش را تشکیل می دهیم، و سپس خانه های بیشتری به آسمان خراش، و آسمان خراش به تدریج از طول جانبی بلند می شود. در ادامه روایت تصویری از این پروژه گویای این طرح است.

(www.evolo.ir)



شکل ۵- مدارک طراحی (مأخذ: www.evolo.ir)



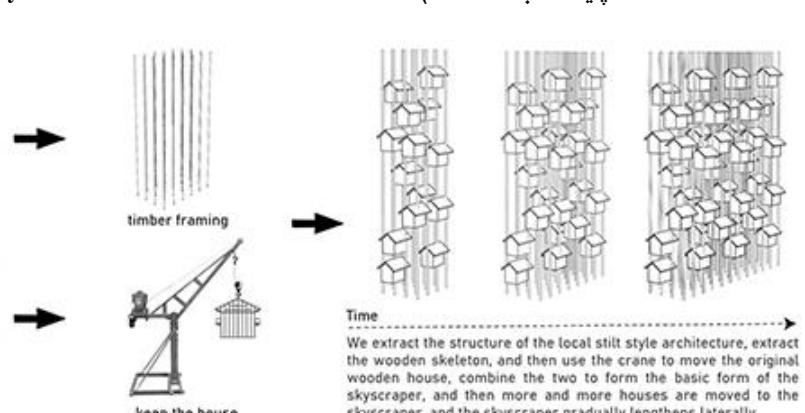
شکل ۶- تصویر پروژه (مأخذ: www.arel.ir)



شکل ۷- استفاده از هویت افراد در طراحی (مأخذ: پایگاه شبک، ۱۳۹۹)

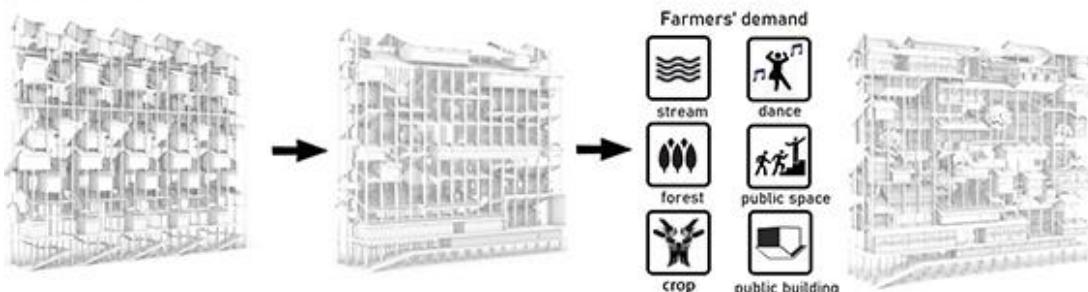


شکل ۸- عکس های مکان اویلیه از محل و انتقال افراد (مأخذ: پایگاه شبک، ۱۳۹۹)



شکل ۱۰- ایده هایی برای حفظ هویت افراد (www.archilovers)

Process



شکل ۱۱- طراحی بر اساس نیاز افراد (مأخذ: www.arel.ir)

نتیجه گیری

این مقاله حول محور جایگاه هویت در معماری معاصر کشوری بوده که دارای سابقه چندین هزارساله در زمینه‌ی فرهنگ و تمدن است. با توجه به اینکه مقوله هویت یک اصل مهم در تمامی کشورها و عصرهای است، لذا توجه و ارزش نهادن به جایگاه آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. با انقلاب صنعتی و حرکت به سمت مدرنیته شدن در کل جهان تغییرات بسیاری رخ داده است و این تحولات فقط خاص یک بخش از زندگی بشر نبود بلکه بر تمامی جوانب اعم از فرهنگ، هنر، آداب و رسوم، معماری ... تأثیر گذاشته است. همزمان با کل جهان؛ سرزمین ایران نیز تحت تأثیر این جریان قرار گرفت و کشوری که به تاریخ کهن، فرهنگ و معماری اصیل خود اهمیت و توجه خاص داشت، هم‌اکنون تحولات و اندیشه‌های نوظهور غربی برایش نتیجه‌های جز سردرگمی هویت نداشته است. از آن چه آمد می‌توان دریافت که هویت، امری صلب نمی‌باشد و در طول زمان با انسان و باورهایش متتحول می‌شود. هویت و عامل تشخّص، اگر در حصار خود محبوس گردد می‌میرد. پس باید با انسان متتحول شود. طبق تعریف، هویت دارای مختصاتی است که همچون نخ شاخه نبات ما را به اصل و ریشه‌های ذاتی و گذشته خود وصل می‌کند، ولی زمانه بر اساس نیازهای روز بلورهای متفاوتی به گرد آن رشته تشکیل می‌دهد، که مشترکات ما با معماری جهانی را شامل می‌شو تعریف هویت به عنوان وحدت تصور ذهنی با عنینت، خود منجر به حالات مختلفی از هویت شد که مفهوم مطلق هویت معماري تهها به یکی از آن‌ها (حالاتی که معماری نماینده مفهومی دیگر مانند جامعه یا فرد در نظر گرفته نشود بلکه بماهو معماری مورد نظر باشد) قابل تعلق است که در اینجا وجود مختلف آن مورد بررسی قرار گرفت. پس از پاسخ گفتن به سوالات تحقیق با بررسی نمونه موقق اسما‌نخراش هامونگ چین که تلاش برای حفظ هویت و معماری سنتی و تلفیق آن با تکنولوژی و توسعه شهرنشینی همراه است را به جهانیان معرفی کنیم.

منابع

۱. پرتوى، پروین، (۱۳۸۲)، مکان و بى مکان رویکردی پدیدارشناسانه مجله هنرهای زیبا شماره ۱۴ صفحه ۴۰ تا ۵۰
۲. تقوايى، ويدا، (۱۳۸۸)، از زمان تاسردم در انسان و معمارى مجله نامه معمارى و شهرسازى شماره ۲ صص ۱۱۷-۱۲۹
۳. تقوايى، سيد حسین، (۱۳۹۱)، مرزاز سبک تا هویت در معمارى، نشریه هنرهای زیبا - معمارى و شهرسازى، صفحات ۱۳۹۱ تابستان ۲ شماره ۱۷ تهران، ایران
۴. حبیبی، رعنا سادات، (۱۳۸۷)، تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان مجله هنرهای زیبا شماره ۳۵ صفحه ۳۹ تا ۵۰
۵. حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۳)، صور خیال شهر را پاک کرده این مجله رایانه معمارى و ساختمان شماره سوم صفحه ۱۱۷ تا ۱۱۵
۶. حجت، عیسى، (۱۳۸۷)، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، (تأملی در رابطه هویت و معماری)، هنرهای زیبا، شماره های ۲۴ و صص ۵۵-۶۲
۷. حجت، مهدی، (۱۳۸۴)، درس گفتارهای کلاس مبانی نظری معماری دوره لیسانس، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
۸. خسرو خاور، فرهاد، (۱۳۸۳)، شهرها و خاطره جمعی مجله رایانه معمارى و ساختمان شماره سوم صفحه ۱۱۴ تا ۱۱۲
۹. دامیار، سجاد، (۱۳۹۳)، رایه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معمارى، نشریه مسکن و محیط روضت، شماره ۱۴۶، تابستان ۹۳
۱۰. دهخدا، على اکبر، (۱۳۹۳)، لغت نامه دهخدا، جلد دهم، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، تهران.

۱۱. رحیم زاده، محمدرضا، (۱۳۷۹)، دومین کنگره معماری و مفهوم هویت، شهرسازی ایران، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۱۲. رستم پور، کاوه، مسافرزاده، غزال، نظیف، حسن، (۱۳۹۳)، تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان، نشریه باغ نظر، سال یازدهم / ۱۱- ۲۲ تابستان ۱۳۹۳ شماره ۲۹
۱۳. سلیمانی، محمدرضا، فرح ایرج، فرح حبیب، فرج، (۱۳۹۵)، بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری، نشریه هویت شهر شماره بیست و پنجم / سال دهم / بهار ۱۳۹۵
۱۴. شولتز کریستیان نوربرگ، (۳۸۲)، گرینه ای از معماری: معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجانی انتشارات جان جهان چاپ اول. تهران.
۱۵. فلاحت، محمدصادق، نوحی، سمیرا، (۱۳۹۱) در نشریه و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماري، ۱۷ علمی- پژوهشی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۹۱ شماره ۲۹
۱۶. گروت، لیندا، دیوید، وانگ، (۱۳۸۸)، روش های تحقیق در معماری، (ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. لنگ، جان، (۱۳۸۱)، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر آفرینش نظریه معماری، دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی آبادان، چاپ دوم. تهران : انتشارات کیان مهر.
۱۹. لینچ، کوین، (۱۳۵۰)، سیمای شهر ترجمه مزینی، انتشارات دانشکاه ملی ایران، تهران.
۲۰. نصر، سید حسین، (۱۳۷۹)، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میانداری، ویراسته احمد رضا جلیلی موسسه فرهنگی طه تهران
۲۱. نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۸۷)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی. تهران: نشر پیام سیما
۲۲. نوربرگ شولتس، کریستیان ، (۱۳۸۱)، معماری: حضور، زبان و مکان، نشر، تهران. - ترجمه علیرضا سید احمدیان، موسسه معمار
23. Applegate, L.M. Austin, R.D., and McFarlan, W.F. (2003).Corporate Information Strategy & Management, International Edition, Sixth edition, McGraw- Hill.
24. Clarke, S. (2001). Information Systems Strategic Management, Anintegrated approach, Routledge, Taylor & Francis Group, London & New York.
25. Corbin, Henry (1986), The Science of the Balance and Correspondences Between Worlds in Islamic Gnosis in Temple and Contemplation , tran. Philip Sherrard, Islamic Publications, London
26. Dohertya, N.F., Marplesa, C.G. and Suhaimib, A. (1999) Therelative success of alternative approaches to strategicinformation systems planning: an empirical analysis, Journal of Strategic Information Systems 8 .pp. 263–283.
27. Heidegger, Martin. (1971), “Building, Dwelling, Thinking”, in Rethinking Architecture (A Reader in Cultural Theory), (ed. N. Leach), Routledge, New York, pp.94-104
28. Oliver, Paul. (1997), Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World, published by Oxford Institute for Sustainable Development and Oxford Brookes University.
29. Islami, S. Golamreza. (1998), Endogenous Development: A model for the Process of ManEnvironment Transaction, Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, Faculty of Environmental studies, Edinburgh College of Art, Department of Architecture, Heriot-Watt University.
30. Buttiner Anne/ David Seamon (1980), the Human Experience of Space and Place , Oxford, London
31. Relph Edward. (1976), Place and Placelessness , Pion, London
32. Tuan, Yi- Fu(1977), Space and Place: the Perspective of Experience, University of Minnesota Press, Minneapolis.
33. Schuon. Frithjof(1965), Light on the Ancient World, Perennial Book, London
34. www.evolo.ir
35. www.arel.ir
36. www.archdaily.ir
37. www.archilovers.